

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: وب سایت آنتی کریگ، چهارم نومبر ۲۰۲۲*
نویسنده: داگلاس مک گریگور**، Douglas Macgregor
برگردان: م. نوری
۱۴ نومبر ۲۰۲۲

جو بایدن ائتلافی برای جنگ در اوکراین تشکیل خواهد داد؟



به نظر می‌رسد که در حال حاضر هم کاخ سفید به ریاست بایدن در حال ارزیابی تشکیل ارتشی چندملیتی علیه روسیه است. پیمان ناتو در شرایطی نیست تصمیم واحدی دایر بر حمله‌ای نظامی به حمایت از اوکراین در جنگ علیه روسیه اتخاذ کند. ولی همانطور که «دیوید پترائوس» اخیراً اعلام کرد، رئیس‌جمهور امریکا و جنرال‌های او به فکر تشکیل «ائتلافی از راغبان» هستند. این ائتلاف در حله اول از نیروهای نظامی پولند و رومانی تشکیل خواهد شد، ضمن این که نیروهای نظامی ایالات متحده هسته مرکزی آن را تشکیل خواهند داد و وارد جنگ اوکراین خواهند شد.

هیأت حاکمه ایالات متحده امریکا در حال ارزیابی مداخله‌ای نظامی در اروپاست، مداخله‌ای که اشتباه و مخاطره‌آمیز است.

سال ۱۸۱۲، زمانی که ناپلئون بناپارت برای تصرف روسیه به این کشور لشکرکشی کرد ارتش وی در رأس بزرگترین «ائتلاف راغبان» در تاریخ بود. در کنار هسته مرکزی ارتش بناپارت که از فرانسوی‌ها تشکیل می‌شد، بیش از چهارصد هزار نیروی نظامی ایتالیایی، هالندی، المانی و پولندی در ائتلاف مزبور شرکت داشتند. می‌توان گفت که اکثر اعضای این ائتلاف رغبتی برای مشارکت در جنگ نداشتند، به جز خود فرانسوی‌ها و متحد ناپلئون، پولند که مشتاق جنگ علیه مسکو بودند.

وقتی ارتش چند ملیتی بناپارت به مسکو رسید، سرمای فلج‌کننده، نبردهای ویرانگر، خستگی، فرسودگی و بیماری نیروها و همچنین برنامه‌ریزی نادرست لجستیکی، تعداد نیروهای نظامی را به نصف رسانده بود. دیری نپایید که

پروس‌ها و متحدان آن‌ها از شمال المان به روس‌ها پناه بردند و بقیه نیروها، به استثنای نیروهای پولندی از جبهه‌ها فرار کردند و در راه بازگشت جان خود را از دست دادند.

به‌نظر می‌رسد که در حال حاضر هم کاخ سفید به ریاست بایدن در حال ارزیابی تشکیل ارتشی چندملیتی علیه روسیه است. پیمان ناتو در شرایطی نیست تصمیم واحدی دایر بر حمله‌ای نظامی به حمایت از اوکراین در جنگ علیه روسیه اتخاذ کند. ولی همانطور که «دیوید پترائوس» اخیراً اعلام کرد، رئیس‌جمهور امریکا و جنرال‌های او به فکر تشکیل «ائتلافی از راغبان» هستند. این ائتلاف در حله اول از نیروهای نظامی پولند و رومانی تشکیل خواهد شد، ضمن این که نیروهای نظامی ایالات متحده هسته مرکزی آن را تشکیل خواهند داد و وارد جنگ اوکراین خواهند شد. موفقیت یا عدم موفقیت هر نبرد نظامی ریشه در نگرش ستراتیژیک به برنامه‌ریزی عملیات و پیشبرد آن‌ها دارد. اطلاعاتی از جزئیات مذاکرات جاری در دست نیست ولی در این خصوص سؤالاتی در باره اهداف، روش‌ها و وضعیتی که نهایتاً ایجاد خواهد شد به ذهن خطور می‌کنند.

اولاً: هدف ائتلاف چیست؟ آیا هدف، راندن نیروهای نظامی روسیه از مناطق اشغال شده اوکراین است؟ آیا هدف، تقویت خطوط دفاعی اوکراین برای نیل به آتش‌بس برای مذاکرات است؟ یا این که ائتلاف مزبور مستمسکی برای کشاندن سایر اعضای پیمان ناتو به جنگ علیه روسیه است، اعضائی که فقط تعداد اندکی از آن‌ها از چنین اقدامی حمایت می‌کنند؟

ثانیاً: اگر نیروهای زمینی و هوایی ایالات متحده پس از عبور از مرز پولند و رومانی و ورود به غرب اوکراین مورد حملات شدید روسیه قرار گیرند چه خواهند کرد؟ بی‌شک فرماندهی عالی روسیه، نیروهای نظامی ایالات متحده در این ائتلاف را به‌عنوان نقطه ثقل این ائتلاف شناسائی خواهند کرد. در نتیجه توان نظامی روسیه در حله اول روی تخریب سازوکارهای امریکا در هدایت جنگ و مراکز فرماندهی، کنترل، جاسوسی، پایش و شناسائی متکی بر صنایع نظامی هوا و فضای امریکا متمرکز خواهد شد.

ثالثاً: آیا ایالات متحده «ائتلاف راغبان» را با اهداف سیاسی تشکیل می‌دهد یا روی بسیج همه‌جانبه منابع حساب باز کرده و به متحدان منطقه‌ای نیاز دارد تا بار جنگ را بین آن‌ها تقسیم کند؟ و از آن جایی که ارتش منظم ایالات متحده به‌تنهایی قادر بر پیروزی بر ارتش منظم روسیه نیست آیا ائتلاف به رهبری امریکا قادر خواهد بود با تجمیع ارتش‌های متعدد با توانائی‌های مختلف که لازمه وارد آوردن ضربات مهلک به روسیه است، این کشور را وادار به تغییر رفتار نماید؟ همچنین طرح این سؤال حائز اهمیت است که آیا نیروهای نظامی امریکا و هم‌پیمانانش قادر به حفاظت از تعداد بی‌شماری شبکه‌های حمل و نقل و پایگاه‌های هوایی و بحری اروپا در مقابل حملات راکتی روسیه خواهند بود؟

رابعاً: آیا «ائتلاف» در جریان عملیات نظامی و در رابطه با موضوعاتی که ممکن است برای هریک از اعضای ائتلاف دارای درجه‌ای از اهمیت باشند با محدودیت‌هایی مواجه نخواهد شد؟ اختلاف بر سر نحوه مبارزه علیه دشمن، حد پیشروی نیروها و وارد شدن به عملیات پرمخاطره همیشه وجود دارد. ابهام در اهداف مشخص می‌تواند نتایج وخیمی به‌بار آورد. به‌عبارت دیگر: فرماندهان ایالات متحده چه میزانی از یکپارچگی در صدور فرامین را از اعضای ائتلاف انتظار دارند و آیا خواست یکپارچگی در صدور فرامین، بر منافع ملی اعضای ائتلاف غالب خواهد شد؟ یادآوری این نکته ضروری است که مسکو دارای اختیارات کامل در صدور فرامین به کلیه نیروهای نظامی خود و همچنین نیروهای نظامی متحدان و دوستان است. اختیار فرماندهی روسیه مطلق است و مسکو اجباری برای پرداختن به نظرات متفاوت و اولویت‌های اعضای ائتلاف ندارد.

و نهایتاً دبیر اول ناتو «ینس استولتنبرگ» اصرار دارد که شکست اوکراین در جنگ با روسیه، شکست ناتو قلمداد خواهد شد. آیا خسارات شدید به نیروهای پیاده نظام آمریکا در مقابله مستقیم با روسیه حمل بر شکست واشنگتن نخواهد شد؟ ایالات متحده و متحدانش با چه سرعتی قادر به جایگزین کردن نیروهای از دست داده خواهند بود؟ آیا خسارات شدید به آمریکا منجر به استفاده این کشور از سلاح اتمی خواهد شد؟ چه موقعی حمایت از اوکراین امنیت و بقای ناتو را به خطر خواهد انداخت؟

ستراتژی اخیر آمریکا در رابطه با حمله پیشگیرانه اتمی دوپهلوسست و سوالات دیگری را به ذهن متبادر می‌سازد. سخنگوی دولت بایدن بر این نکته تأکید کرد که پرزیدنت بایدن به عهد سال ۲۰۲۰ مبنی بر این که یگانه هدف از داشتن سلاح هسته‌ای پیشگیری از حمله‌ای اتمی به آمریکا و هم پیمانانش است، عمل نخواهد کرد.

به جای آن پرزیدنت بایدن نسخه جدیدی از سیاست دولت اوباما را پذیرفته که به کارگیری سلاح اتمی را نه فقط به تلافی حمله‌ای اتمی، بلکه به عنوان عکس‌العملی علیه تهدیدات غیراتومی نیز مجاز می‌داند. تصمیم پرزیدنت بایدن حداقل به همان اندازه‌ای برای اهداف آمریکا و متحدانش مخرب و خطرناک است که طرح «مورگن تاو» خطرناک بود، طرحی از سال ۱۹۴۴ برای صنعتی‌زدایی از آلمان که هر چند به مرحله اجراء درنیامد ولی احتمالاً جنگ علیه آلمان نازی را به مدت شش ماه به درازا کشاند (۱). واقعاً کسی در واشنگتن دی. سی بر این اعتقاد است که سیاست جدید هسته‌ای، احتمال جنگ اتمی با روسیه را کاهش خواهد داد؟

در ستراتیژی نظامی امر تعیین‌کننده تناسب امکانات و اهداف است. رهبران سیاسی و نظامی دولت‌ها بیشتر به فکر امکانات هستند و کمتر به اهداف فکر می‌کنند. کارشناس فنی خوب بودن به‌تنهایی کافی نیست و رهبران سیاسی و نظامی امروز باید ستراتیژیست‌های قابل‌باشند با شامه‌ای قوی برای تشخیص حدود و ثغوری که نقاط ضعف و قوت آمریکا روی اتخاذ تصمیمات ستراتیژیک تحمیل می‌کنند.

هزینه تشدید درگیری برای آمریکا و اروپا نباید ناچیز شمرده شود. رئیس‌جمهور و جنرال‌های او باید بدانند که شکست نظامی تا چه اندازه‌ای برای جامعه آمریکا زیان‌بخش خواهد بود، جامعه‌ای که به دلیل بیست سال جنگ‌های خودیرانگرانه در عراق و افغانستان تضعیف شده است. روحیه نیروهای نظامی در سطح حداقلی است، اقتصاد ایالات متحده ضعیف و شکننده است و دورنمای اقتصاد اروپا از آن هم تیره و تارتر است.

بنابارت در جنگ علیه روسیه نه‌تنها دشمن، بلکه متحدان خود را نیز آشکارا غلط ارزیابی کرد. پرزیدنت بایدن و جنرال‌های او نباید همان اشتباه را در اوکراین تکرار کنند.

* http://antikrieg.com/aktuell/2022_11_04_wirdbiden.htm

(این مقاله ابتداء به زبان انگلیسی در سوم نومبر ۲۰۲۲ در The American Conservativ منتشر شده است.)
** - درباره نویسنده: داگلاس مک گریگور، سرهنگ بازنشسته ارتش آمریکا، تحصیل‌کرده در رشته علوم سیاسی و کارشناس علوم سیاسی، نظریه‌پرداز نظامی و نویسنده است. وی در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ سفیر ایالات متحده آمریکا در آلمان بود.

۱- طرح مورگن تاو Morgenthau ، طرحی از وزیر اقتصاد وقت ایالات متحده آمریکا Henry Morgenthau در سال ۱۹۴۴ و پس از قطعی شدن شکست آلمان نازی در جنگ جهانی دوم بود. به موجب این طرح که اجراء نشد قرار بود آلمان کشوری با اقتصاد کشاورزی باقی بماند تا برای مدتی طولانی امکان جنگ تهاجمی دیگری را نیابد. (توضیح

مترجم) - ۲۲ آبان - عقرب - ۱۴۰۱